

کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند

سموئیل، پسر خادم خداوند



مترجم: Shahrzad
بازگویی از: Lyn Doerksen

نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: Janie Forest

داستان 17 از 60

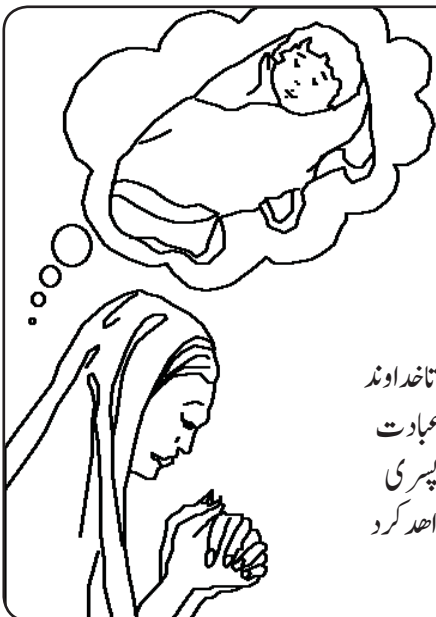
www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

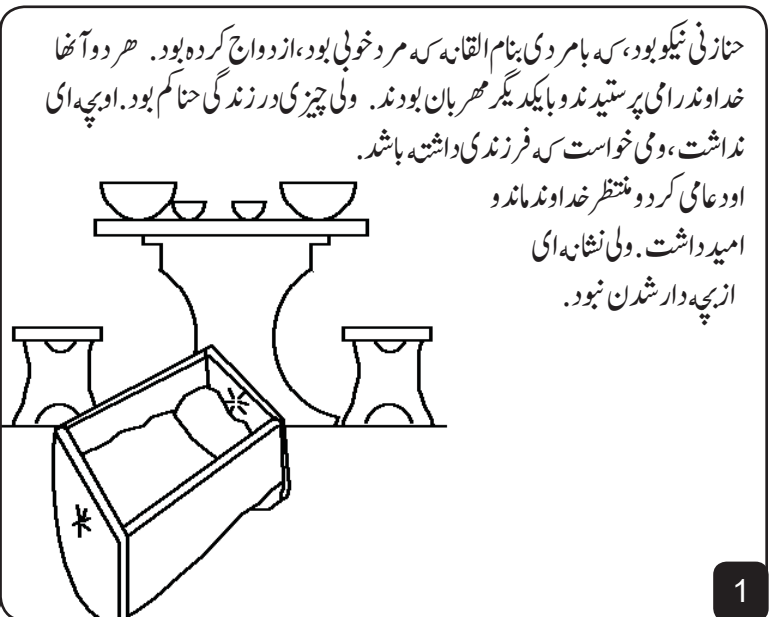
فارسی

Persian



هر سال حنا به خیمه عبادت می رفت تا خداوند
را پرستش کند. یکسال وقتی او در خیمه عبادت
بود، او به خداوند قول داد که اگر به او پسری
بدهد، او پسرش را به خداوند تقدیم خواهد کرد
تا تمام عمرش خادم او باشد.

2



حنانزی نیکی بود، که با مردی بنام القانه که مرد خوبی بود، ازدواج کرده بود. هر دو آنها
خداوند را می پرستیدند و باید که مهربان بودند. ولی چیزی در زندگی حنا کم بود. او بچه ای
نداشت، و می خواست که فرزندی داشته باشد.
او دعای کرد و منتظر خداوند ماند و
امید داشت. ولی نشانه ای
از بچه دار شدن نبود.

1

دران زمان عیسی، کاهن پیردر
خیمه عبادت نشسته بود و حنار اید
که دعای کند. عیسی فکر کرده
حنامت شراب است چون
لبهائش تکان می خورد ولی
صدایش را کسی نمی شنید.
پس حنار اوتوج کرد.



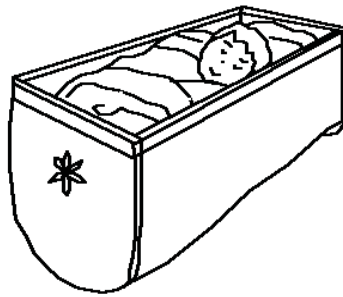
3

ولی حنابه عیسی گفت که او برای
بچه دار شدن دعای کند و اینکه
چه قوی به خداوند داده است.
عیسی به او پاسخ داد: برو
بسلا مت. و خداوند اسرائیل،
آنچه از او خواستی به تو بدهد.
کلام عیسی به حنار امید داد.



4

خیلی زود قلب حنار پاشادی عظیمی پر شد. خداوند خواسته او را بخاطر آورد و دعای او را
مستجاب کرد. حنار پسر بی دنیا آورد و نام او را سموئیل (یعنی خواسته شده از خداوند)
گذاشت. ولی آیا حنار خداوند را و قوتش را به او بخاطر داشت؟



5

حنار دیگر به عبادتگاه نرفت، آه
عزیز! آیا او قوتش را با خداوند
شکست نه، حنار منتظر بود تا
سموئیل بزرگتر شود و به سنی
برسد تا بتواند در عبادتگاه زندگی
کند و به عیسی در خدمت به
خداوند کمک کند. سپس حنار
سموئیل را به خیمه
عبادت آورد.



6

خداوند وفاداری حنار را
احترام گذاشت. بعد از
سموئیل خداوند به حناره
پسر و دو دختر دیگر داد.
هر سال حنابه عبادتگاه
می رفت تا خداوند را
پرستش کند و یک لباس
نور برای سموئیل می
دوخت و به او می داد.



7

سموئیل تنها شخصی نبود که به عیسی کمک می کرد، پسران عیسی،
حفتی و فینحاس، در خیمه عبادت کاری کردند. ولی آنها با
کارهای زشتشان به خداوند احترام نمی گذاشتند و وقتی
پدرشان از آنها می خواست که کارهای بدشان را کنار
بگذارند آنها گوش نمی دادند.
عیسی باید آنها را از خدمت
خداوند در معبد منع می کرد
ولی او این کار را نکرد.

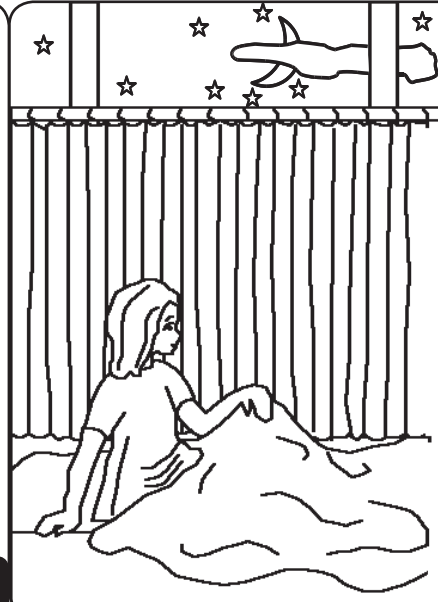


8

صبح عیسی، سموئیل را صدا کرد. و پرسید که خداوند به او چه گفته است؟ سموئیل جوان همه چیز را برای عیسی گفت. پیغام خوشایندی نبود. خداوند می خواست خانواده عیسی را نابود کند بخاطر کارهای فاسد پسران عیسی، حفنی و فیئخاس.



10

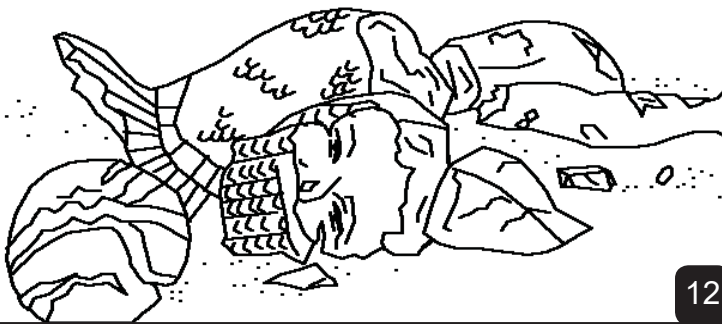


یک شب، سموئیل صدای شنید که او را می خواند. سموئیل فکر کرد که عیسی او را صدا می زند. او پاسخ داد: در خدا متکذری حاضر م، چه امری دارید؟ عیسی گفت: من تو را صدا نکردم. و این سه مرتبه تکرار شد. سپس عیسی فهمید که خداوند می خواهد با سموئیل صحبت کند. عیسی به سموئیل گفت: "اگر خداوند تو را صدا کرد، تو باید بگویی، سرور من سخن بگو، گوش بفرمانم." و خداوند دوباره سموئیل را صدا زد و به او پیغام بسیار مهمی داد.

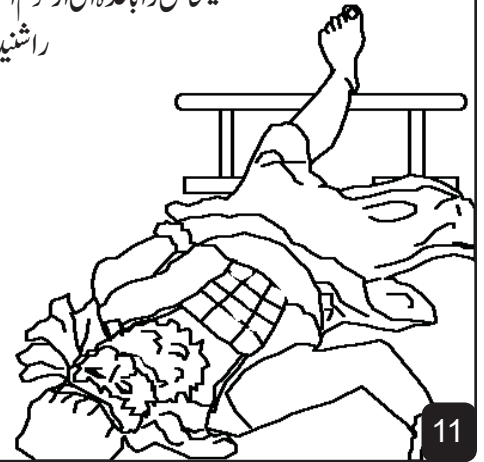
9

صندوق عهد برای فلسطینی ها مشکلاتی به بار آورد. آنها صندوق عهد را در معبد داجون، خدای دروغینشان گذاشتند. صبح روز بعد، بت داجون در مقابل صندوق عهد به روی زمین افتاده بود. فلسطینی هابت داجون را بلند کردند ولی صبح روز بعد، دوباره بت داجون به روی زمین افتاده بود. ولی این بار بت داجون تکه تکه شده بود.

هشدار خداوند به حقیقت پیوست. در جنگ با فلسطینی ها، دو پسر ناخلف عیسی، صندوق عهد خداوند را جلوی لشکر خداوند بردند. صندوق عهد به دست دشمن افتاد و آنها حفنی و فیئخاس را باعده ای از قوم اسرائیل کشتند. وقتی عیسی این خبر را شنید، او از روی صندلی افتاد، گردش شکست و دهان روز مرد.



12



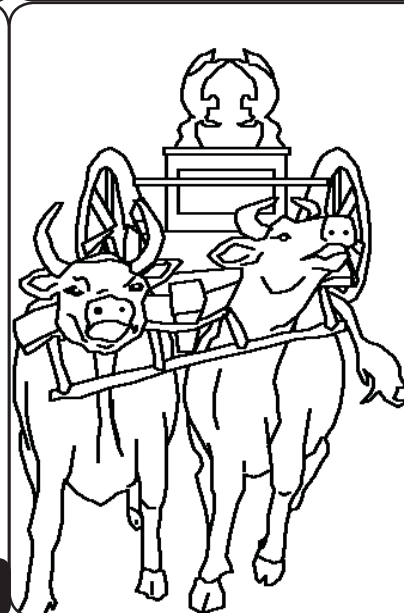
11

حال سموئیل که یک مرد کامل شده بود، با مردم اسرائیل سخن گفت: "اگر با تمام قلبتان به سوی خداوند بازگشت کنید... او شمار از دست فلسطینی ها رهایی می دهد." مردم از پیغمبر وفادار خداوند اطاعت کردند. و خداوند در تمام روزهای عمر سموئیل بر ضد فلسطینی ها بود.

بیماری و مرگ در بین فلسطینی ها پخش شد. آنها فهمیدند که خداوند آنها را تنبیه کرده است. فلسطینی ها دو گاو را به عرابه ای بستند و صندوق عهد را بر عرابه قرار دادند. ولی گوساه هایشان را در طول به ننگه داشتند. اگر گاو هابه سوی اسرائیل رقتند و گوساه هایشان را رها کردند، می فهمیم که خداوند این بیماری و مرگ را فرستاده است. و گاو هابه سوی اسرائیل رقتند.



14



13

سموئیل، پسر خادم خداوند

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

اول سموئیل ۱-۷

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم
کارهایی که او آزار آگه می خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانۀ خود را فرستاد تا با
مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره
زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بگو: خداوند من ایمان دارم
که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می کنم وارد زندگی
من بشو و گناهان مرا ببخشد تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه
باقی باشم. منم کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راه روز بخوان و همیشه دعا کن!